

## برج‌سازی و کارکردهای آن در لرستان دوره رضاشاه (1300 - 1312 ش.)

محسن رحمتی<sup>1</sup>، محمد دالوند<sup>2</sup>

تاریخ دریافت: 1396/10/17  
تاریخ پذیرش: 1396/11/15

از صفحه 1 تا 20

فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات تاریخ انتظامی  
سال چهارم، شماره چهاردهم، پاییز 1396

### چکیده

لرستان به‌عنوان منطقه کوهستانی صعب‌العبور با بافت اجتماعی عشایری، مقارن با برآمدن رضاشاه همچون دیگر مناطق کشور ناامن بود. رضاشاه در راستای تحقق سیاست‌ها و برنامه‌های خود به ایجاد امنیت در این منطقه از طریق نیروی نظامی پرداخت. از آنجا که اجرا و توفیق عملیات نظامی در گرو استفاده از ابزارهای مختلف به‌ویژه استحکامات نظامی بود، ساخت برج به‌عنوان یک سازه نظامی مورد توجه قرار گرفت. این مقاله درصدد است تا با شیوه توصیفی - تحلیلی، ضمن تبیین استفاده نیروهای نظامی از برج و برج‌سازی در لرستان، اهداف رضاشاه از این اقدام را مورد بررسی قرار دهد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که رضاشاه در راستای تحقق اهداف خود در حفاظت از راه‌ها و راه‌سازان، اخذ عوارض راه‌ها، ابلاغ فرامین و گزارش‌های منطقه و حفظ دستاوردهای خود به ساخت برج در لرستان روی آورد. بر این اساس، از آغاز پیشروی ارتش در لرستان تا استقرار کامل امنیت در منطقه (از سال 1300 تا 1312) در طی سه مرحله، برج‌های زیادی در لرستان به‌ویژه در ارتفاعات واقع در حاشیه راه ارتباطی تهران - خوزستان و مسیرهای تردد عشایر احداث گردید.

### کلید واژه‌ها

لرستان، رضاشاه، ارتش، برج، امنیت.

1- دانشیار تاریخ دانشگاه لرستان (نویسنده مسئول): rahmati.mo@lu.ac.ir

2- کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه لرستان

## 1. مقدمه

لرستان به‌عنوان ناحیه کوهستانی انباشته از ارتفاعات بلند واقع در بین خوزستان و همدان، در طول قرون گذشته از ویژگی‌های خاصّ سیاسی، فرهنگی و اجتماعی برخوردار بوده است. پراکندگی سکونت‌گاه‌های منطقه در لابلای دره‌ها و کوه‌ها، غلبه بافت ایلی مبتنی بر معیشت دامداری و شکار و همچنین دشواری تردد در منطقه، در طول قرون متمادی امکان تسلط همه جانبه دولت مرکزی بر این نواحی را سلب می‌کرد. این امر به مخالفان فرصت می‌داد تا با استقرار در نواحی صعب‌العبور این نواحی و ساخت قلعه‌ها و استحکامات دفاعی، تمرّد و سرکشی کنند. لزوم سرکوبی این نوع حرکات، حکمرانان مرکزی ایران را مجبور ساخته بود که برای حفظ حاکمیت خود بر این منطقه استحکاماتی را بنا کرده و از فعالیت نیروهای طغیان‌گر جلوگیری نمایند. این استحکامات نظامی به‌عنوان تیغ دولبه عمل می‌کردند؛ در زمان اقتدار دولت مرکزی، ابزاری برای اعمال قدرت بر منطقه بودند ولی در زمان تضعیف حکومت و یا در هنگام تغییر سلسله‌ها، مخالفان می‌توانستند بر این قلعه‌ها مسلط شده و حاکمیت دولت مرکزی را با چالش مواجه سازند.

در اواخر حکومت قاجار، با ضعف دولت مرکزی و وقوع جنگ جهانی اول، اوضاع این منطقه همچون دیگر نواحی کشور آشفتن شد و سران ایلات و عشایر قدرت را به دست گرفتند. با روی کار آمدن رضاخان و تلاش وی برای تمرکز قدرت، ایجاد امنیت و تسری قدرت دولت مرکزی در سراسر کشور، لرستان نیز مورد توجه قرار گرفت. طبیعی است که ارتش برای نیل به اهداف خود از ابزارها و وسایل مختلف استفاده کرده باشد. با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی لرستان، طبیعی به نظر می‌رسد که یکی از این ابزارها استفاده از استحکامات نظامی همچون برج، قلعه و جز آن بوده باشد. سیاست‌ها و راه‌کارهای دولت رضاشاه در اداره و ایجاد امنیت در لرستان بارها مورد توجه محققان قرار گرفته و تحقیقات قابل توجهی در این خصوص نوشته شده است ولی مسئله برج و برج‌سازی و اهمیت آن در ایجاد امنیت، به‌صورت مستقل مورد پژوهش قرار نگرفته است؛ بنابراین مقاله حاضر درصدد بررسی این مسئله است که در برنامه رضاشاه برای تأمین امنیت در لرستان، برج‌سازی چه جایگاهی داشت و در آن دوره، چه اقداماتی در این زمینه انجام شد؟

## 2. برج و ویژگی‌های آن

اصطلاح برج معانی متفاوتی دارد ولی در این جا مقصود، نظرگاه نظامی است که بر اساس آن: «برج به بنایی بلند و باریک، استوانه‌ای یا چند پهلو گفته می‌شود که برای دیده‌بانی و دفاع، جدا یا پیوسته به دیوار و باروی شهر ساخته می‌شود» (سعیدیان، 1090:1388). قدمت ساخت برج در ایران به منزله عامل تقویتی و دفاعی به آغاز دوران شهرنشینی در فلات ایران برمی‌گردد، در طول دوران باستان از ماد تا ساسانیان ساخت برج‌های مدور و مستطیل‌شکل و جز آن در باروی قلعه‌ها و شهرها معمول بود و در دوران اسلامی نیز تداوم یافت (دانشنامه دانش‌گستر، 1389: 128/4). مناره آجری خرم‌آباد بر جای مانده از روزگار دیلمیان یکی از برج‌های دوره اسلامی است که با قطر 5/5 متر و ارتفاع 29/45 متر ساخته شده است. این مناره در واقع برجی بود که برای دیده‌بانی یا رساندن اخبار ساخته شد و معمولاً در آن با روشن کردن آتش، اعلام خبر می‌کردند. مصالح پایه چهارضلعی این برج، سنگی و در بنای مناره، آجر و ملات (خاک رس، آهک و بعدها گچ) به کار برده‌اند (قاسمی، 1394: 491).

برج‌ها از نظر شکل ظاهری، تعداد طبقه و ارتفاع با یکدیگر متفاوت بودند ولی به‌طور معمول یک برج نظامی در این دوره، سازه‌ای مدور بود که از دو طبقه تشکیل می‌شد. طبقه پایین آن محل استراحت و تدارکات نظامیان و طبقه دوم جایگاه دیده‌بانی سربازان بود و در طرفین آن چند پنجره قرار داشت (مصاحبه شفاهی با شیخ علی فلاحی: 96/6/9). از مصالحی که جهت احداث این نوع استحکامات به کار می‌رفت می‌توان از آجر، کاه‌گل، چوب، سنگ و خشت یاد کرد که در محیط اطراف به‌وفور یافت می‌شد (آرشیو سازمان اسناد ملی غرب کشور/همدان، 91/280/40). معماری برج‌ها را می‌توان نوعی «معماری نظامی» دانست که از ویژگی‌های آن سرعت زمان در ساخت برج‌ها، استفاده از مصالح موجود در طبیعت، سرکشی و نظارت فرماندهان ارتش بر روند طرح برج‌سازی، عدم تأثیرپذیری از معماری محلی و استفاده از معماران غیربومی بود. این برج‌ها در بلندی‌های کنار راه‌ها به فاصله هر سه کیلومتر یک برج ساخته می‌شدند، در نتیجه، پست ژاندارم در هر برج، برج دیگر را می‌دید (اردلان، 1383: 248؛ قراگوزلو، 1388: 133). تعداد افراد مستقر در برج‌ها متفاوت بودند به طوری که در مواقع بروز بحران عده نظامیان زیاد می‌شد و هر برج از 7 تا 10 نفر تشکیل می‌گردید مسئولیت

آنها را هم یک نفر افسر عالی‌رتبه، استوار یا یک گروهبان به عهده داشت (شاه‌بختی، 1373: 57).

برج‌های نظامی در طول تاریخ کارکردهای مهمی داشته‌اند که یکی از آنها کارکرد دیده‌بانی یا نگهبانی بود. بدین معنا که سربازان مستقر در برج‌ها تردد افراد منطقه را زیر نظر گرفته و در صورت مشاهده عوامل مخل نظم، وارد عمل می‌شدند. کارکرد دیگر برج‌های نظامی، دفاع در برابر شورشیان و مهاجمان بود. افراد مستقر در این استحکامات، در این سنگرهای دفاعی قادر بودند با حداقل تلفات نظامی به انجام وظیفه خود پرداخته و مدت زیادی در برابر مهاجمان مقاومت کنند. سومین کارکرد برج‌ها، اعلام خبر یا اطلاع‌رسانی به مواضع دیگر بود. این اخبار گاهی از طریق «کبوتران نامه‌بر» و یا با روشن کردن آتش و یا ایجاد دود، به موقعیت نظامی بعدی مخابره می‌شد؛ بنابراین طبیعی است که مهم‌ترین کارکرد برج ایجاد امنیت بود.

### 3. برج‌سازی در لرستان پیش از رضاخان

شرایط جغرافیایی و کوهستانی لرستان موجب می‌شد که دولت مرکزی سلطه خود را از طریق استحکامات نظامی حفظ و اعمال نماید. یکی از این استحکامات برج بود. چنانکه در دوره محمدشاه قاجار (1250-1264 ق.) برای حفظ امنیت راه‌های تجاری، دو برج مستحکم در ارتفاعات مشرف بر شهر خرم‌آباد ساخته شد (مینورسکی، 1395: 93). در دوره ناصری نیز جهت دیده‌بانی و حفظ قلعه فلک‌الافلاک، برج‌هایی از سنگ و ساروج در بلندی‌های بالای کوه‌های مشرف به خرم‌آباد در احداث شد (فرهنگ اصفهان، 3 ربیع‌الاول 1368: 4/84). ظل‌السلطان نیز در بالای قلعه فلک‌الافلاک یک عمارت به نام کلاه‌فرنگی ساخت و برج‌های ویران قلعه را مرمت نمود (جغرافیای لرستان، 1395: 35). در همین زمان سازمانی جهت ایجاد امنیت در راه‌ها به نام قراسوران به وجود آمد که امور انتظامی راه‌ها را به رؤسای محلی واگذار کرده بود (یکرنگیان، 1326: 141). به نظر می‌رسد این سازمان جهت ایفای نقش امنیتی خود در لرستان از برج‌های مسیر راه این ولایت به دزفول استفاده کرده است. شایان ذکر است که بعضی از برج‌های دوره قاجار به منظور زندانی کردن مجرمان ساخته شدند (والیزاده معجزی، 1380: ۲۰۸، ۲۰۹).

با وقوع انقلاب مشروطیت، در نتیجه لگام‌گسیختگی برخی از سران ایلات و طوایف، امنیت لرستان زایل و بسیاری از بناها و استحکامات نظامی به‌ویژه برج‌ها تخریب شدند (همان: 76؛ امان‌اللهی بهاروند، 1391: 67). دولت مرکزی با تأسیس ژاندارمری در سال 1329 ق. (آوری، 1389: 233)، دو هزار ژاندارم را تحت فرماندهی ماژور شولدبران برای سرکوبی عشایر نافرمانی که شهر بروجرد را محاصره بودند، اعزام کرد. این گروه پس از دفع عشایر، با ساختن برج‌های نظامی، امنیت را به منطقه بروجرد و سیلاخور بازگرداندند (فرمانفرما، 1366: 1005/2). پس از آن سرگرد محمدعلی‌خان اکرام نظام نیز مأمور خدمت در خرم‌آباد شد. وی در منازل بین راه پست‌های امنیه برقرار کرد. در اطراف خرم‌آباد نیز برج‌های مستحکمی ساخته شد و تعدادی ژاندارم در هر برج که در حکم یک پاسگاه بود، مستقر شد (والیزاده معجزی، 1380: 634؛ ستوده، 1388: 39)، ولی با وقوع جنگ جهانی اول و تشدید ضعف دولت مرکزی، ژاندارم‌ها مغلوب شده و عشایر تمام برج‌هایی را که ژاندارم‌ها ساخته بودند، تخریب کرده و نظامیان را پس از خلع سلاح به قتل رساندند. ژاندارم‌هایی هم که جان به سلامت بردند به بروجرد عقب‌نشینی کردند (ویلسون، 1394: 400؛ رزم‌آرا، 1320: 9-10)؛ بنابراین، در زمان روی کار آمدن رضاخان تقریباً هیچ برج قابل استفاده‌ای در لرستان باقی نمانده بود.

#### 4. کارکردهای برج در لرستان دوره رضاشاه

اگرچه بعد از کودتای سوم اسفند 1299 ش. هنوز ظاهراً دولت قاجاریه برقرار بود، اما رضاخان بر امور کشور مسلط شد. زمینه‌سازی‌های او برای تغییر حکومت، مستلزم انجام برخی اقدامات و امور در جلب رضایت و نظر عامه مردم بود. با توجه به شیوع و گسترده‌گی ناامنی، یکی از مهم‌ترین اقداماتی که می‌توانست در این زمینه کارآمد باشد، ایجاد امنیت در جامعه به‌طور عام و در لرستان به‌طور خاص بود. در برنامه امنیتی رضاخان، لرستان به‌واسطه قرار گرفتن در حدفاصل تهران و منابع و نفتی خوزستان، اهمیت ویژه داشت. علاوه بر این لرستان در برنامه امنیتی دولت رضاشاه از جنبه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اهمیت داشت که برخی پژوهشگران در مقالات خود به تبیین آن پرداخته‌اند (رحمتی و دالوند، 1396: 153-137)؛ بنابراین در دوران

رضاشاه که تأمین امنیت در لرستان مهم‌ترین اولویت دولت مرکزی بود، توجه به سازه‌های نظامی مورد توجه قرار گرفت.

با توجه به غلبه ساختار زندگی عشایری در لرستان و پراکندگی عشایر در سراسر منطقه و جابجایی مداوم آنها، استقرار یک نیروی نظامی انبوه در یک سازه بزرگ نظامی شبیه به یک پادگان مناسب نبود و به‌جای آن ضرورت داشت تا همسان با پراکندگی عشایر، سازه‌های نظامی نیز در سراسر قلمرو به‌ویژه در مسیرهای تردد فصلی عشایر پراکنده باشند. طبیعتاً احداث سازه‌های نظامی بزرگ در سراسر منطقه، علاوه بر هزینه بسیار، مستلزم استخدام نیروی نظامی فراوان بود، ولی برج به‌عنوان یک سازه نظامی کوچک، مصالح کمتری نیاز داشت و گنجایش زیادی برای نیروی نظامی نداشت. لذا با تعدد این برج‌ها، هم نیروهای نظامی به صورتی معقول در سراسر منطقه توزیع می‌شدند و هم هزینه کمتری را بر دولت تحمیل می‌کرد. براین اساس، برج را می‌توان مناسب‌ترین سازه نظامی برای محیط لرستان دانست که در دوره مورد مطالعه نیز به‌شدت مورد توجه قرار گرفت. بر اساس داده‌های موجود، به نظر می‌رسد که برج‌های نظامی لرستان در دوره رضاشاه، چند کارکرد داشتند:

#### 4-1. حفاظت از راه‌ها و راه‌سازان

قبل از تسلط قوای مرکزی بر لرستان، در نتیجه تخریب استحکامات نظامی به‌ویژه برج‌ها و به دنبال آن عدم استقرار پست امنیه در مسیر کاروان‌ها، راه‌ها ناامن بودند. از این‌رو تجارت رونقی نداشت، اما با ورود لشکر غرب به خرم‌آباد به منظور دفع شر راهزنان و آسودگی خاطر قوافل و کاروان‌ها به فواصل معین برج‌های مستحکم ساخته شد (والی‌زاده معجزی، 1382: 63، 760). افزون بر آن، یکی از اهداف برج‌سازی، تأمین امنیت مناطقی بود که پروژه جاده‌سازی در آنها در دست اقدام بود. امیراحمدی در این زمینه می‌گوید: «گاه‌گاهی از جانب لرها به کارگران و مهندسیین راه تعرض می‌شد و از برج‌هایی که ساخته شده بود برای دفع شر آنها استفاده می‌کردیم...» (امیراحمدی، 1372 الف: 330). قبل از فعالیت راه‌سازی یک منطقه، ارتش با احداث برج‌های نظامی در مسیر ارتباطی و استقرار پست‌های امنیه در آنها، امنیت را جهت فعالیت برقرار می‌کرد (شاه‌بختی، 1373: 294). به همین جهت یکی از اهداف استقرار پست‌های امنیه در برج‌ها در مناطق عشایری حفاظت راه‌ها از تعرضات ایلی و عشیره‌ای بود (واعظ

شهرستانی، 1388: 441). یکی دیگر از کارکردهای پست‌های امنیه مستقر در برج‌ها، حفاظت از خطوط ارتباطی تلگراف بود (مصاحبه شفاهی با محمدعلی هادیان‌فر، مورخه 96/6/21). باین‌حال در سال 1308 جاده اصلی خرم‌آباد به قدری ناامن بود که به همسران برخی مهندسان راه‌سازی که قصد مسافرت از اهواز به تهران داشتند، توصیه شد از طریق بغداد به تهران بروند (مجد، 1389: 592)؛ زیرا برج‌های نظامی قادر به تأمین امنیت در راه‌های اصلی نبودند. در هر صورت یکی از مهم‌ترین اهداف برج‌سازی، ایجاد امنیت در راه‌ها و حفاظت نسبی از جان مهندسان راه‌سازی بود.

## 2-4. اخذ عوارض راه‌ها

از دیگر اهداف برج‌سازی، اخذ عوارض راه‌ها بود. قبل از ورود لشکر غرب به لرستان هدف از احداث برج رنگرزان گرفتن باج از کالاها و مسافرینی بود که از گردنه رازان عبور می‌کردند (مصاحبه شفاهی با رحمت دالوند در مورخه 96/6/18). پس از تصویب قانون نظام وظیفه که در آبان 1304، نیروهای نظامی تحت نظارت وزارت جنگ افزایش یافتند. از این‌رو جهت تأمین بودجه ارتش جدید افزون بر مالیات بر تریاک، عوارضی نیز بر راه‌های کشور بسته شد (آبراهامیان، 1389: 133، 131). در لرستان نیز یکی از انگیزه‌های رضاشاه از لشکرکشی به این منطقه اخذ عایدات مالی ایلات و طوایف بود (دالوند، 1385: 160/1) و یکی از این مالیات‌ها، عوارضی بود که دولت بر راه‌های لرستان بست. بدین منظور برج‌هایی در مسیر جاده‌ها ساخته شدند تا پست‌های امنیه مستقر در آنها افزون بر وظایف امنیتی، عوارض راه‌ها را هم وصول کنند. به طوری‌که هنگام ورود استارک به لرستان در برج گردنه ورازانه - بین نورآباد و نهاوند- مأموران نظامی از چارپایانی که از این گردنه عبور می‌کردند، مبلغ هشت ریال عوارض می‌گرفتند (استارک، 1364: 4). این موضوع در راه‌های ورودی شهر خرم‌آباد به‌ویژه در منطقه‌ای که هم‌اکنون نیز به «باجگیران» - جنوب غربی شهر خرم‌آباد- معروف است عملاً تحقق یافت؛ به طوری‌که هر کالایی که به شهر حمل می‌شد به‌محض ورود به دروازه شهر، ژاندارم‌های مستقر در برج، مالیات آن را از صاحب بار می‌گرفتند (مصاحبه شفاهی با نورالدین مرادی‌چگنی، در مورخه 94/5/26) حتی در منطقه زاغه از گله‌های گوسفند ایلات و عشایر باج راه‌ها گرفته می‌شد. در مواقعی نیز ژاندارم‌ها با تیراندازی ساختگی به کشاورزانی که مشغول جمع‌آوری محصول در اطراف برج‌ها بودند، آنها را فراری داده و

محصول را برای خود ضبط می‌کردند (مصاحبه شفاهی با شیخ‌علی فلاحی در مورخه 96/6/9).

### 3-4. ابلاغ فرامین و دریافت گزارش‌های منطقه

یکی دیگر از کارکردهای برج‌های نظامی، دریافت گزارش سیاسی - امنیتی منطقه تحت نظارت آنها و ارسال آن به دفتر فرماندهی در قلعه خرم‌آباد بود. پست‌های امنیه مستقر در برج‌ها به‌دقت ورود و خروج احشام را به شهر زیر نظر گرفته، با تحقیقات ویژه در مورد آنها، گزارش‌های را به دفتر فرماندهی تیپ مخابره می‌کردند (شاه‌بختی، 1373: 87). قطع شدن سیم تلگراف توسط عشایر یاغی نیز از دیگر گزارش‌هایی بود که توسط پست‌های امنیه و معمولاً از طریق «کبوتران نامه‌بر» ارسال می‌شد. ابلاغ گزارش اقدامات خوانین دولت‌خواه محلی از قبیل جلوگیری از فرار متهمان و از بین بردن اثرات جرم در منطقه، توسط همین خوانین در اسرع وقت به نزدیک‌ترین پست امنیه مستقر در برج‌ها مخابره می‌شد تا این اطلاعات را پس از پالایش به مرکز فرماندهی ارسال کند (رحمتی و دالوند، 1396: 145). همچنین، نظامیان مستقر در برج‌ها ملزم به شناسایی افراد مشمول طرح سربازی در منطقه تحت نظارت خود و ارسال اسامی آنها به دفاتر نظام وظیفه بودند (واعظ شهرستانی، 1388: 447). گزارش تعرضات ایلات و عشایر به پست‌های امنیه، اطلاع‌رسانی تعداد کشته‌ها و زخمی‌های طرفین مخاصمه در هنگامه جنگ یا ایلات و طوایف نافرمان نیز از دیگر موارد اهداف برج‌سازی در لرستان بود (شاه‌بختی، 1373: 38، 39).

### 4-4. تقویت عملیات ارتش

یکی دیگر از مهم‌ترین اهداف برج‌سازی در لرستان، تقویت عملیات نظامی در این منطقه به‌ویژه حفظ دستاوردهای نظامی بود. برج‌ها در دهه نخستین اردوکشی به لرستان نقش مهمی در کمک به نیروهای ارتش و تسلط بر این منطقه داشتند؛ به طوری که با احداث این استحکامات در سال‌های 1300-1312 عملیات ارتش در اکثر موارد با موفقیت همراه شد تا جایی که به تدریج در لرستان امنیت ایجاد شد؛ زیرا با ساخت برج‌های نظامی در مسیرها و گذرگاه‌های نیروهای چریکی عشایر (بیرانوندها، سگوندها، پای‌ها، دریکوندها و حسوندها) در مناطق مختلف توان رزمی شورشیان



تحلیل رفت، به طوری که عشایر یا شکست خورده و دست از مبارزه می‌کشیدند و یا در ارتفاعات کوه‌ها مأمن گزیدند. این سنگرهای تدافعی در هنگامه حملات ایلات شورشی با کمترین امکانات رفاهی و همچنین کمبودهایی مانند کمبود نیرو در مقابل شورشیان پایداری نموده و با کاهش تلفات نظامی، به پیشروی‌های ارتش کمک نمودند و از این نظر به اهداف رضاشاه در لرستان یاری رساندند.

### 5. برج‌سازی در لرستان دوران رضاشاه

با توجه به برنامه‌ها و اهدافی که رضاشاه در زمینه تأمین امنیت در لرستان دنبال می‌کرد و با عنایت به اهمیت استحکامات نظامی در تحقق این برنامه‌ها طبیعی بود که برج به‌عنوان یک گونه از این استحکامات نظامی و به‌عنوان سنگر دفاعی و دیده‌بانی بین‌راهی مورد توجه ارتش قرار بگیرند. اهمیت این امر برای دولت پهلوی تا آن اندازه بود بخش قابل توجهی از میزان اعتبارات وزارت جنگ در فاصله سال‌های 1320-1300 که خود به‌طور متوسط 33/5٪ از کل بودجه دولت را شامل می‌شد، صرف احداث استحکامات نظامی از جمله برج‌های دیده‌بانی در مناطق مختلف کشور به‌ویژه منطقه کوهستانی لرستان شد (ایوانف، 1356: 68؛ آرشیو سازمان اسناد ملی غرب کشور/همدان، سند ش: 91/280/103). در این روند، علاوه بر تعمیر و بازسازی استحکامات نظامی و برج‌های سابق که ویران شده بودند، برج‌های متعددی نیز در مناطق مختلف لرستان احداث شد. از آنجا که احداث این برج‌ها در رابطه تنگاتنگ با عملیات ارتش در لرستان قرار داشت، با تأمل بر عملیات ارتش و کیفیت فعالیت آنها در لرستان سه دوره تقریباً متمایز را در برنامه برج‌سازی می‌توان تشخیص داد:

#### 5-1. دوره اول: از آغاز عملیات ارتش تا تسلط بر خرم‌آباد (1300-1303)

دوره نخست برج‌سازی در لرستان با سه سال نخستین عملیات ارتش در لرستان هم‌زمان است. پس از کودتای 1299 که رضاخان به‌عنوان وزیر جنگ شناخته شد، برنامه استقرار امنیت در لرستان و ایجاد پل ارتباطی بین تهران با خوزستان از طریق لرستان را در صدر برنامه‌های او قرار گرفت و ارتش را برای سرکوبی عشایر یاغی اعزام داشت. بدیهی است که پیشروی نیروهای نظامی از بروجرد تا خرم‌آباد با مخالفت سرسختانه عشایر یاغی مواجه شود و در نتیجه نیاز مبرم به استحکامات نظامی هم برای

تداوم پیشروی و هم برای حفظ دستاوردهای قبلی به شدت احساس می‌شد. طولانی بودن مسافت بین بروجرد و خرم‌آباد و همچنین کوهستانی بودن منطقه مانع از ساخت استحکامات نظامی سنگین بود و لذا سازه‌های نظامی سبک همچون برج برای حفظ ارتباط نیروهای پیشرو با مرکز اهمیت بیشتری داشتند. ناگفته پیداست که تعداد نیروهای ارتش جهت مقابله با ایلات و عشایر نافرمان کافی نبود زیرا طایفه بیرانوند - که بیش از یک دهه حکومت رضاشاه را به چالش کشید - خود به تنهایی دوازده هزار خانوار بود که اگر جمعیت طوایف بالاگریوه، حسونندها و طوایف کوچک را به آنها بیفزاییم (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، سند ش. 12-17-93) بی‌شک مردان جنگی آنها چندین برابر نیروهای ارتش بودند. از این رو استراتژی ارتش جهت تسلط بر لرستان افزون بر ایجاد تفرقه بین ایلات و عشایر، احداث برج‌های نظامی در مناطق مختلف سکونت عشایر نافرمان بود تا از این طریق کمبود نیروی ارتش جبران شود؛ بنابراین، از همان آغاز، ساخت برج و مراقبت از آنها مورد توجه سران عملیات قرار گرفت (علی‌بابایی، 1385: 267؛ تاریخ ارتش نوین ایران، بی‌تا: 63). امیراحمدی، فرمانده قوای اعزامی به لرستان، در زمینه اهمیت برج‌سازی می‌گوید: «... از بروجرد تا خرم‌آباد هر جا را فتح کردیم، فوری قلعه و برج ساختم و نظامی‌ها را در آن سکنی دادم که این موقعیت و برتری، نقص قلّت عده و شهامت و از خودگذشتگی زائدالوصف لرها را جبران کند. با این حال چند بار در چند نقطه، لرها به برج‌های نظامی حمله کرده و برج‌ها را تصرف کردند» و تعدادی از نظامیان را مجروح و مقتول نمودند که پس از اطلاع از تعداد تلف‌شدگان، فرماندهی لشکر تعدادی دیگر از نیروهای نظامی را از پادگان خرم‌آباد به جای آنها در برج‌ها مستقر نمود (امیراحمدی، 373 الف: 209؛ نامه سپهبد امیراحمدی، 1377: 151).

اقدامات ارتش در زمینه برج‌سازی در این مرحله را در سه محور تعمیر برج‌های قبلی، احداث برج جدید، مرمت و محافظت از برج‌ها می‌توان مورد بررسی قرار داد. نخستین و ساده‌ترین اقدام ارتش، استفاده از برج‌های قبلی بود. ارتش نیز با دفع عشایر و غلبه بر برج‌های قبلی، به استفاده و در صورت نیاز تعمیر آنها پرداختند. چنانکه در خرداد 1301 امیر احمدی پس از وصول به بروجرد، با مرمت برج‌های اطراف شهر، پست‌های امنیه در آنها مستقر کرد و با این اقدام، امنیت نسبی را در آن حدود برقرار

نمود (فراهانی، 1385: 182). در تیرماه همین سال نیز نظامیان در درگیری با عشایر یکی از استحکامات دفاعی لرها به نام قلعه چگنی‌کش - واقع در حوالی دشت سیلاخور بروجرد - را تصرف کردند (ستوده، 1388: 302). همچنین برج رنگرزان (در شرق روستای رنگرزان) که در اواخر حکومت قاجار به دستور یکی از خوانین محلی به نام غلامعلی خان ساکی - نوه حسین خان ساکی نایب‌الحکومه لرستان در عهد قاجار - توسط کربلایی محمدتقی ولی‌زاده ساخته شده بود، مورد توجه و استفاده قرار گرفت و نقش مهمی در پیروزی‌های اولیه ارتش ایفا نمود (مصاحبه شفاهی با رحمت دالوند: 96/6/18).

دومین اقدام ساخت و احداث برج‌های جدید بود. طولانی بودن مسافت و مقاومت شدید عشایر، فرماندهان ارتش را واداشت تا برج‌های متعددی با فواصل معین بسازند که به واسطه آن‌ها، سربازان از تعرضات ایلات یاغی در امان باشند و ارتش بتواند ضمن حفظ دستاوردهای گذشته، پیشروی نماید. چنانکه فرمانده ارتش، طی گزارشی مفصل به مرکز، تاکتیک خود را برای عبور از زاغه تا تنگ زاهدشیر را ساخت برج و پیشروی برج به برج اعلام کرد (بهبودی، 1385: 487/3). همچنین در حد فاصل تنگ زاهد شیر تا پادگان خرم‌آباد که فقط 15 کیلومتر فاصله داشتند، برج‌های بسیاری احداث شد که تعداد آنها را بیش از دوازده برج نوشته‌اند (همان: 58؛ آرشیو اسناد ملی غرب کشور/ همدان، سند ش 91/280/57). ظاهراً تراکم و تعدد برج در این قسمت، مرهون اهمیت تنگ زاهدشیر و موقعیت نظامی آن بود. طبیعی است که در این روند برج‌های متعددی ساخته شده باشند. پس از تسلط قوای نظامی بر خرم‌آباد نیز دفع حملات متقابل عشایر اهمیت پیدا کرد و آن نیز جز با ساخت استحکامات نظامی مقدور نبود. لذا طبق دستور، در کوه‌های اطراف شهر خرم‌آباد (کوه مدبه، مخمل کوه و شیرکشان) چندین برج ساخته شد و عده‌ای سرباز به‌عنوان پست‌های امنیه در آنها مستقر گردیدند (غضنفری امرایی، 1393: 981/2؛ مصاحبه شفاهی با محمدعلی هادیان‌فر در مورخه 96/6/22). البته برج‌سازی فاقد خسارت جانی نبود زیرا در مواقعی تعدادی بنا و کارگر هدف تیراندازی یاغیان قرار گرفته و از بین می‌رفتند (والیزاده معجزی، 1382: 63).

سومین اقدام نیز مراقبت از برج‌های موجود و مرمت آنها بود. عشایر یاغی، با انجام حملات پراکنده علیه پست‌های امنیه مستقر در برج‌ها سعی در بازپس راندن ارتش

داشتند. چنانکه با حمله ایلات و عشایر در اواسط بهار 1303 (یکرنگیان، 1326: 409) استحکامات نظامی لرستان به‌ویژه برج‌های نظامی همچون برج‌های چگنی - در غرب خرم‌آباد - برج‌های کوه مدبه و برج‌های بین راه خرم‌آباد به تنگ زاهدشیر (شاه‌بختی، 1373: 80، 104) به‌شدت آسیب دیده و در شرف سقوط بودند. فقط برج رنگرزان و برج تنگه شبیخون به‌واسطه موقعیت مناسب کوهستانی، ضمن دفع حملات ایلات، از آسیب مصون ماندند (غضنفری امرایی، 1393: 1018/2). در این روند، اگر برج‌های آسیب دیده مرمت نمی‌شدند، محتمل بود که هر لحظه به دست یاغیان بیفتند و در این صورت ارتباط پادگان ارتش در خرم‌آباد با مرکز قطع می‌شد. لذا در سال 1303، مرمت این برج‌ها، به‌ویژه برج‌های بین راه خرم‌آباد و تنگه زاهدشیر، یکی از مهم‌ترین وظایف ارتش بود و در این زمینه تلاش فراوانی صورت گرفت (امیراحمدی، 1373 ب: 56، 38).

## 2-5. دوره دوم: دوران پیشروی ارتش از خرم‌آباد به سایر نقاط لرستان (1304-1307)

دومین دوران برج‌سازی با احداث راه شوسه خوزستان و تلاش برای مطیع کردن سایر نقاط لرستان مصادف است. پس از ورود نیروهای ارتش به خرم‌آباد، دو اقدام اساسی مورد توجه دولت مرکزی قرار گرفت: یکی تداوم پیشروی در سایر نقاط لرستان، دیگر احداث راه ارتباطی بین تهران - خوزستان. از آنجا که پناهگاه اصلی ایلات و عشایر دره‌ها و دامنه‌های گرین و کبیرکوه بود که در هنگام کوچ فصلی پذیرای ایلات لر بودند، تصرف خرم‌آباد به‌منزله غلبه ارتش بر لرستان نبود و مادامی که نیروهای دولتی فاصله خرم‌آباد تا دامنه‌های گرین و کبیرکوه را تصرف نکرده بودند، نمی‌توانستند حاکم بر لرستان باشند. طبیعی بود که هم دسترسی دولت مرکزی به خوزستان و هم به دامنه‌های کبیرکوه، در گرو ساخت راه شوسه تهران - خوزستان بود. عشایر یاغی نیز با آگاهی از نقش و تأثیر احداث این راه در تحکیم و تقویت سلطه دولت مرکزی بر لرستان، برای تعطیل یا تعویق این عملیات راه‌سازی در تلاش بودند. در این روند، با توجه به لزوم پیشروی توأمان نیروهای نظامی و عملیات راه‌سازی و همچنین مقاومت عشایر از طریق عملیات ایذایی علیه کارگران راه‌سازی و نیروهای ارتش، احداث استحکامات نظامی و مخصوصاً برج‌سازی اهمیت ویژه پیدا کرد.

با آغاز عملیات راه‌سازی در لرستان به ریاست مسیو کاساکوسکی در سال 1304 (اطلاعات، 23 مرداد 1305: 2/5) بناها و کارگرانی جهت احداث برج‌های کنار جاده

شوسه به کار گرفته شدند که دستمزد آنها توسط فرمانده ستون 2 ارتش پرداخت شد (امیراحمدی، 1373 ب: 203) معماران و بناهایی هم که جهت ساخت برج‌ها استخدام شدند از ساکنان شهرهای بروجرد و اراک بودند. از جمله این معماران استاد نورمحمد بروجردی، هاشم بنا، میرزاجان و کربلایی محمدتقی ولی‌زاده را می‌توان نام برد (آرشیو سازمان اسناد ملی غرب کشور/ همدان، سندهای ش: 91/280/147، 91/280/57؛ مصاحبه شفاهی با رحمت دالوند: 96/6/18). با این حال در برخی از بخش‌های لرستان مانند منطقه چگنی، بیگاری گرفتن از مردم محل جهت ساخت برج‌ها نیز گزارش شده است (مصاحبه شفاهی با نورالدین مرادی چگنی: 94/5/21). به نظر می‌رسد این برج‌ها، از نوع استحکاماتی بودند که توسط خود نظامیان ساخته شدند زیرا تعداد زیادی از آنها توسط نیروهای ارتش ساخته شدند (آرشیو سازمان اسناد ملی غرب کشور/ همدان، سند ش: 91/280/40). در اواخر مهر 1305، عده‌ای از نظامیان جهت کمک به مهندسی راه‌سازی در خط هرو- منطقه‌ای در 40 کیلومتری جاده خرم‌آباد به بروجرد- به چشمک (منطقه‌ای در نزدیکی پلدختر فعلی) اعزام شدند (آرشیو سازمان اسناد ملی غرب کشور/ همدان 91/280/120) که به نظر می‌رسد افزون بر تأمین امنیت راه‌ها، برج‌های بین راه را مورد بررسی قرار دادند. با این حال به گزارش کلنل موریس در سال 1306 به دلیل تضعیف عملکرد برج‌ها در مسیر جاده دزفول به خرم‌آباد حمله‌ی عشایر به کارگران، پروژه‌ی راه‌سازی را متوقف نمود (مجد، 1389: 586) در تابستان و پاییز همین سال به دلیل ناامنی بعضی از راه‌های منتهی به خرم‌آباد چندین هنگ از لشکر لرستان از جمله هنگ پهلوی، نادری و دو هنگ سوار در برج‌های بین راه مستقر شدند (قاسمی، 1394: 560). در این سال بودجه وزارت جنگ به یکصد و دوازده میلیون ریال رسید که 40/4 درصد کل بودجه دولت بود (کاتوزیان، 1374: 159-158) بخشی از این بودجه جهت احداث برج‌های نظامی در منطقه جنگی لرستان تخصیص داده شد. به طوری که در همین سال یکصد و هشتاد و هفت برج در فاصله‌ی راه خرم‌آباد به دزفول و راه‌های فرعی آن ساخته شد (اطلاعات، 4 شهریور 1307: 2/564) که هزینه بیست و هفت برج از آنها فقط دوهزار و هفتصد تومان بود (قاسمی، 1394: 546). امیراحمدی بعد از انتصاب به ریاست راه خرم‌آباد- دزفول، هنگ نادری را مأمور ساختن برج‌های دیده‌بانی در نقاط مرتفع اطراف جاده نمود (اطلاعات 25 فروردین 1307: 2/456؛ قراگوزلو، 1388: 133).

دومین اقدام ارتش تلاش برای پیشروی در نواحی شمال غربی و غرب لرستان بود که با توجه به شرایط جغرافیایی منطقه، بدون احداث سازه‌های نظامی مقدور نبود و ظاهراً کمبود بودجه و همچنین دل‌مشغولی سران ارتش به احداث راه خوزستان، مانع از اقدام جدی در این زمینه بود. چنانکه در مسیر خرم‌آباد تا کوه‌دشت برخی استحکامات نظامی و برج ساختند ولی با قیام علی‌محمدخان غضنفری در کوه‌دشت در پاییز 1306 (برای آگاهی از این قیام نک: امیراحمدی 1373 ب: 317؛ شاه‌بختی، 1373: 204) همه آنها به دست عشایر از بین رفتند و ارتش قادر به دفاع از آنها نبود (خدابخشی، 1384: 163). لذا فرماندهان ارتش برای جبران ناتوانی خود کوشیدند تا با استفاده از خوانین دولت‌خواه سلطه دولت مرکزی را بر ایلات این نواحی تسری بخشند چنانکه در شهریور 1304 امنیت و انتظامات راه‌الشر به نیاوند به چنگیزخان کولیوند سپرده شد (اقبالی، 1391: 621).

با توجه به ناآرامی عشایر و حملات متقابل آنها که باعث صدمه به استحکامات و برج‌های نظامی می‌شد، مرمت و حفظ آنها نیز یکی دیگر از مهم‌ترین اقدامات ارتش در این دوره است. چنانکه به دنبال قتل تعدادی از رؤسای قبایل در مهر 1304، منطقه جنوب لرستان در ظرف مدت یک ماه صحنه ناآرامی‌ها شد و چندین پست امنیه (برج نظامی) مورد حمله عشایر قرار گرفت (کرونین، 1377: 382؛ 381)؛ بنابراین، حفظ و مرمت این برج‌ها برای ارتش اهمیت داشت و در سال 1307 اعتباری در حدود سه‌هزار و هفتصد و نوزده تومان از طرف وزارت جنگ جهت مرمت برج‌های بین راه بروجرد - خرم‌آباد پرداخت گردید که شامل پرداخت قیمت مصالح ساختمانی از قبیل آجر، سنگ، خشت، کاه، تیرچوبی و حقوق کارگر و بنا بود (آرشو سازمان اسناد ملی غرب کشور/ همدان، سند ش: 91/280/57، 91/280/40، 91/280/147). بیشتر این برج‌ها در منطقه هرو (بین خرم‌آباد و بروجرد) قرار داشتند؛ این منطقه به لحاظ مجاورت با سکونت‌گاه طوایف بیرانوند که با نیروهای دولتی در حال مبارزه بودند، از نظر نظامی و استراتژیکی اهمیتی فوق‌العاده داشت (دالوند، 1385: 136/1؛ رزم‌آرا، 1320: 38). نشریه ناهید نیز به وجود برج‌ها در بلندی‌های کنار جاده به هنگام سفر رضاشاه در آبان 1307 اشاره نموده است؛ به طوری که نظامیان در جلوی هر برج صف بسته و بالای هر برج یک نفر نظامی به دیده‌بانی مشغول بود (ناهید، 8 آبان 1307: 3/29).

## 3-5. دوران مقابله با شورش عشایر (1308 تا 1312)

سومین دوره در عملیات ارتش و احداث استحکامات نظامی، دوران سرکوب عشایر است. پس از احداث راه تهران- خوزستان، سلطه و اقتدار دولت مرکزی در لرستان تحکیم یافت، اما هنوز بخش قابل توجهی از ایلات نافرمان در دامنه‌های کبیرکوه و دیگر نواحی کوهستانی منطقه، مطیع نشده و به‌صورت پراکنده با نیروهای نظامی درگیر بودند (جهت اطلاع از این درگیری‌ها: والیزاده معجزی، 1382: 236؛ امیراحمدی، 1373 ب: 260). لذا فرماندهان نظامی لرستان، از این پس سرکوبی کامل عشایر یاغی را وجهه همت خود قرار دادند. اگر چه داده‌های کافی درباره برج‌سازی در این مقطع در دست نیست ولی با توجه به موقعیت طبیعی و شرایط جغرافیایی منطقه، معلوم است که این امر جز با احداث سازه‌های نظامی به‌ویژه برج میسر نمی‌شد؛ چنانکه فریا استارک در سفر خود به لرستان در سال 1310 برج‌های نظامی متعددی در مسیر جاده الشتر به دلفان (نورآباد) مشاهده کرد که در هر یک شش نفر ژاندارم به‌عنوان پست امنیه مستقر بودند، مایحتاج آنها هم ماهی یک‌بار از خرم‌آباد تهیه می‌شد (استارک، 1364: 33). این نظامیان جهت حمل تدارکات خود به داخل برج‌های نظامی مناطق مرتفع گاهی از عشایر دولت‌خواه و یا رهگذران استفاده می‌کردند (مصاحبه شفاهی با مظفر ساکی در مورخه 96/5/10).

در این مرحله، با توجه به زدوخوردهای مقطعی و حملات غافلگیرانه عشایر یاغی، برج‌های نظامی در حفظ جان نظامیان و حفظ دستاوردهای قبلی اهمیت اساسی و ویژه‌ای داشت. چنانکه در سال 1308 برای مقابله با شورش احتمالی طوایف سگوند و پاپی، مبلغ دویست و شصت و پنج تومان برای احداث و یا مرمت برج‌های نظامی در مناطق تنگ ازنا، کنگرزه، سراب سیری، چک تقی، خران‌ره واقع در مسیر ارتباطی خرم‌آباد به ازنا هزینه شد (آرشیو سازمان اسناد ملی غرب کشور/ همدان، سند ش: 91/280/57). همچنین در این سال هنگ‌های ارتش جهت استقرار در برج‌های بین راه خرم‌آباد- دزفول و محافظت این مسیر از دستبرد عشایر یاغی اعزام شدند (امیراحمدی، 1373 ب: 289). اهمیت حفظ و اداره این سازه‌های نظامی به استقلال تیپ مستقل لرستان از لشکر غرب در سال 1309 منجر گردید (قدیمی، 1326: 110؛ رزم‌آرا، 1320: 20). در این زمان گرچه گزارشی مبنی بر برج‌سازی در دست نداریم ولی به نظر می‌رسد که

جهت ایجاد امنیت در راه‌های ارتباطی پست‌های امنیه تحت امر فرماندهی مشغول انجام وظایف محوله در برج‌ها بوده‌اند.

علاوه بر برج‌های مدور که کارکرد نظامی داشتند، برج‌هایی مربعی شکل نیز در لرستان ساخته شد که «برج کبوتر نامه‌بر» شهرت داشتند. این برج‌ها که معمولاً به صورت چهارگوش و از خشت و گل ساخته می‌شدند، بیش از سه متر ارتفاع داشتند و بر روی دیوار اضلاع شمال، شرق و غرب آن، سه پنجره کوچک وجود داشت که محل ورود و خروج کبوتران بود؛ از این کبوتران جهت انتقال نامه‌ها به استحکامات و پاسگاه‌های مستقر در اطراف خرم‌آباد استفاده می‌شد. محوطه اطراف این برج‌ها محصور می‌شد و دو یا چند تن سرباز مسلح از آنها محافظت می‌کردند. امروزه یکی از این برج‌ها در منطقه شاه‌آباد خرم‌آباد - پارک شهید مطهری فعلی - برقرار است که بین سال‌های 1311-1314 به دستور سرهنگ آذر برزین و سرهنگ دوم کوپال ساخته شد (قاسمی، 1394: 755-754).

### نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان داد که اگرچه موقعیت سوق‌الجیشی لرستان و بافت فرهنگی اجتماعی آن، جایگاهی ویژه را برای این منطقه در برنامه‌های سیاسی - اداری دولت رضاشاه رقم زده بود، اما تحقق برنامه‌های دولت رضاشاه مستلزم ایجاد امنیت در منطقه بود و این امر جز از طریق نظامی مقدور و میسر نبود. لذا نیروهای نظامی ارتش در یک عملیات دوازده‌ساله طی سال‌های 1300 تا 1312 ش. با استفاده از ابزارهای گوناگون به ایجاد امنیت در منطقه پرداختند. یکی از مهم‌ترین ابزارهای ارتش در این روند، استفاده از استحکامات نظامی بود و برج به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و ارزان‌ترین سازه‌های نظامی و بیشترین تناسب آن با محیط نظامی و جغرافیایی لرستان، بیش از همه سازه‌های نظامی مورد توجه قرار گرفت. دولت مرکزی در این زمان با اهدافی همچون حفظ راه‌ها و نظارت بر عملیات راه‌سازی تهران - خوزستان، اخذ عوارض راهداری، ابلاغ فرامین و دریافت گزارش‌ها، تقویت ارتش و حفظ مواضع و دستاوردهای نظامی به ساخت برج‌های فراوان در مناطق مرتفع حاشیه راه ارتباطی تهران به خوزستان و همچنین مسیرهای تردد عشایر پرداختند. در این روند، طی سه مرحله از آغاز نفوذ تا غلبه بر خرم‌آباد



(1303-1300)، از غلبه بر خرم‌آباد تا غلبه بر سایر نقاط لرستان (1304-1307) و دوران مقابله با شورش‌ها (1308-1312) برج‌های متعددی زیر نظارت فرماندهان ارتش و با به‌کارگیری نیروهای بومی و غیربومی در لرستان ساخته شد که از آن میان می‌توان برج‌های رنگرزان، توگه، سرآسیاب، کوه مدبه، کوه سیاه‌کمر و تنگ‌رباط را نام برد. نیروهای ارتش با استقرار در این برج‌ها، علاوه بر ایمن ماندن از حملات عشایر نافرمان، فعالیت و حرکات عشایر را زیر نظر گرفته و با اجرای فرامین و دستورات دولت مرکزی، امنیت را در سراسر منطقه مستقر ساختند.

## منابع

### اسناد

- آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره بازیابی، 12-17-293.
- آرشیو سازمان اسناد ملی غرب کشور/ همدان، شماره‌های بازیابی 91/280/103، 91/280/57، 91/280/40، 91/280/120، 91/280/111، 91/280/147.

### مصاحبه‌ها

- مصاحبه با آقای شیخ‌علی فلاحی، لرستان، 96/6/9.
- مصاحبه با آقای رحمت دالوند، لرستان، 96/6/18.
- مصاحبه با آقای محمدعلی هادیان‌فر، لرستان، 96/6/21.
- مصاحبه با آقای مظفر ساکی، لرستان، 96/6/10.
- مصاحبه با آقای نورالدین مرادی‌چگنی، لرستان، 94/5/21.

### روزنامه‌ها

- اطلاعات، 25 فروردین 1307، سال دوم، شماره 456.
- اطلاعات، 4 شهریور 1307، سال دوم، شماره 564.
- فرهنگ اصفهان، 3 ربیع‌الاول، 1298، سال دوم، شماره 84.
- ناهید، 8 آبان 1307، سال هفتم، شماره 29.

### کتاب‌ها

- آبراهامیان، یرواند (1389). تاریخ ایران مدرن، ترجمه محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- آوری، پیتر (1373). تاریخ معاصر ایران از تأسیس تا انقراض سلسله قاجاریه، ترجمه محمد رفیعی دولت‌آبادی، تهران: مؤسسه انتشارات عطایی. اردلان، عزالممالک (1383). خاطرات حاج عزالممالک اردلان، به کوشش باقر عاقلی، تهران: نامک.
- استارک، فریا (1364). سفرنامه الموت، لرستان و ایلام، ترجمه علی‌محمد ساکی، تهران: علمی.
- اقبالی، رضا (1391). امنیت و انتظامات در لرستان از صفویه تا پهلوی، قم: ائمه.

- امان‌اللهی بهاروند، سکندر (1391). «رضاشاه و لرها»، مجموعه مقالات، خرم‌آباد: اردیبهشت جانان. امیراحمدی، احمد (1373 ب). اسناد نخستین سپهبد ایران، به کوشش سیروس سعدوندیان، تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.
- امیراحمدی، احمد (1373 الف). خاطرات نخستین سپهبد ایران، به کوشش غلام‌حسین زرگری‌نژاد، تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.
- ایوانف، س. م (1356). تاریخ نوین ایران، ترجمه هوشنگ تیزابی و حسن قائم‌پناه، تهران: اسلوج.
- بهبودی، هدایت‌الله (1385). روزشمار تاریخ معاصر ایران، ج 3، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- تاریخ ارتش نوین ایران از 1300 تا 1320، ج 1، (بی‌تا)، ج 1، تهران: ستاد بزرگ ارتشتاران.
- جغرافیای لرستان، (پشتکوه و پیشکوه)، (1395). به کوشش سکندر امان‌اللهی بهاروند، خرم‌آباد: شاپورخواست.
- خدابخشی، حاجی رضا (1384). تاریخ سیاسی لرستان، خرم‌آباد: افلاک.
- دالوند، حمیدرضا (1385). انقلاب اسلامی در لرستان، ج 1، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دانشنامه نامه دانش‌گستر (1389). ج 4، زیر نظر علی رامین و دیگران، تهران: موسسه دانش‌گستر روز.
- رزم‌آرا، حاج‌علی (1320). جغرافیای نظامی (لرستان)، تهران: ستاد بزرگ ارتشتاران.
- ستوده، یدالله (1388). شورش لرستان، اسناد و تصاویر، خرم‌آباد: شاپورخواست.
- سعیدیان، عبدالحسین (1388). دایرة المعارف بزرگ نو، ج 2، ویراستار بتول مجتوبی و دیگران، تهران: علم و زندگی، آرام.
- شاه‌بختی، محمد (1373). عملیات لرستان، اسناد سرتیپ محمد شاه‌بختی (1303 و 1306)، به کوشش کاوه بیات، تهران: شیرازه.
- علی‌بابایی، غلام‌رضا (1382). تاریخ ارتش ایران، تهران: آشیان.
- غضنفری امرایی، اسفندیار (1393). تاریخ غضنفری، ج 2، به کوشش اسعد غضنفری و یدالله ستوده، خرم‌آباد: شاپورخواست.
- فراهانی، حسن (1385). روزشمار تاریخ معاصر ایران، ج 2، تهران: مؤسسه مطالعه و پژوهش‌های سیاسی.

- فرمانفرما، عبدالحسین میرزا (1366). گزیده‌ای از مجموعه اسناد عبدالحسین میرزا، ج 2، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ ایران.
- قاسمی، فرید (1394). سرگذشت خرم‌آباد، تهران: سید فرید قاسمی.
- قدیمی، ذبیح‌الله (1326). تاریخ 25 ساله ارتش شاهنشاهی، تهران: کتاب‌فروشی و چاپخانه علی‌اکبر علمی.
- قراگوزلو، غلامحسین (1388). جنگ‌های لرستان، خاطرات علی‌اکبر قراگوزلو، تهران: اقبال.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (1392). اقتصاد سیاسی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
- کرونین، استفانی (1377). ارتش و حکومت پهلوی، ترجمه غلام‌رضا علی‌بابایی، ویرایش محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: خجسته.
- مجد، محمدقلی (1389). از قاجاریه به پهلوی، بر اساس اسناد وزارت خارج امریکا، ترجمه رضا مرزانی و مصطفی امیری، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- مینورسکی، ولادیمیر (1395). لرستان و لرها، همراه با سفرنامه بارون دوید، ترجمه سکندر امان‌اللهی بهاروند و لیلی بختیار، تهران: آرون.
- واعظ شهرستانی، نفیسه (1388). سیاست عشایری دولت پهلوی اول، تهران: نشر تاریخ ایران.
- والیزاده معجزی، محمدرضا (1380). تاریخ لرستان روزگار قاجار، ویراستار حمیدرضا دالوند، تهران: حروفیه.
- -- (1382). تاریخ لرستان روزگار پهلوی، ویراستار غلام‌رضا عزیزی، تهران: حروفیه.
- ویلسون، آرنولد تالبوت (1394). سفرنامه ویلسون، ترجمه محمدعلی ساکی، خرم‌آباد: شاپورخواست.
- یکرنگیان، میرحسین (1326). گلگون‌کفنان، گوشه‌ای از تاریخ نظامی معاصر، تهران: چاپخانه محمدعلی علمی.

#### مقالات

- رحمتی، محسن و محمد دالوند (1396)، نقش خوانین و منتقدین در برقراری امنیت در لرستان در عهد پهلوی اول، فصلنامه تحقیقات تاریخ اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س 7، ش 1، بهار و تابستان، صص 137-153.
- نامه سپهبد امیراحمدی به حسام‌الدین ضیایی (1377). به کوشش سیدفرید قاسمی، لرستان‌پژوهی، سال 1، شماره 1 و 2، بهار و تابستان،